



بهترین انسان در محضر خدا

امام علی علیه السلام:

فرونی رفعت می بخشد

نکبرست می گرداند

میزان الحکمه ج ۱۳ ص ۲۲۳

دو زنبیل برای هر انسان است، یکی از پیش و دیگری از پس به گردن آویخته است. زنبیل پیشین مملو از عیوب دیگران و زنبیل پسین از عیوب خودمان پرگشته است. به همین دلیل ما عیب‌های دیگران را می‌بینیم ولی از عیب‌های خود غافل می‌مانیم.

دوان دوان به نزد موسی آمد و گفت: هر چه نگاه کردم هیچ کس را بدتر از خود ندیدم! به هر که خواستم بگویم بد، دیدم او از من بهتر است! ای موسی، به خدا بگو که بدترین بدها منم.»

به محض آن که مرد این جمله را گفت از سوی خدا خطاب آمد: «ای موسی، این عزیز ما از امتحان سرفراز درآمد!» پس بهترین نه به آن است که طاعت او بیش است بلکه به آن است که خویشتن را بدترین دانست. آری، این آزمون‌هاست که انسان را به کمال و اوج می‌برد نه ادعاها. این بود حکایت بهترین انسانی که خود را به موسی بدترین معرفی می‌کند. سیدعلی موسوی، کوکب دژی (ویراست دوم)، ص ۵۲.

گذری به گذر دیگر می‌رفت ولی هر فردی که به نظرش بد می‌آمد، خوبی‌هایی هم داشت.

او رفت، گشت و گشت تا کسی را به او معرفی کردند که سراسر سمبل بدی بود! با خود گفت: «این دیگر همان بدترین فرد است که باید او را نزد موسی ببرم.»

همین که خواست او را ببرد با خود گفت: «از کجا معلوم این مرد بدترین باشد؟ نکند انتخاب من به‌عنوان بهترین فرد مرا دچار غرور کند؛ عیب‌های دیگران را ببینم و از عیب‌های خود غافل بمانم!»

کمی فکر کرد و یک‌باره گفت: «هم‌اکنون، بدترین فرد را پیدا کردم!» عمامه‌اش را به گردنش افکند،

روزی حضرت موسی (ع) با چند نفر نشسته بود، از سوی خدا خطاب آمد که «ای موسی! ده تن را از میان هزاران تن مردمان خوب انتخاب کن»؛ ده تن انتخاب شدند. سپس به موسی خطاب شد که از این ده تن سه تن را انتخاب کن! سه تن برگزیده شدند. بار دیگر وحی آمد که از این سه تن، بهترین را انتخاب کن. یک تن برگزیده شد.

سرانجام خطاب آمد: «ای موسی، به این یک تن خوب خوب که گزیده گزیده‌هاست بگو بدترین انسان را پیدا کند و بیاورد.»

موسی از این شخص برگزیده خواست تا در مدتی معلوم چنین کند. او جستجوی خویش را آغاز کرد، از